

بسم الله الرحمن الرحيم

## مکتب مقاومت با الگوگیری از سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی

اشاره:

نشست علمی مکتب مقاومت با الگوگیری از سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی عنوان نشست بود که به صورت ویدئو کنفرانس در سازمان بسیج اساتید مرکز در سالن شهید شهریار ابرگزار شد در این نشست محبت الاسلام و المسلمین شیرازی که سالهای متمادی از دوران دفاع مقدس و تا نمایندگی در نیروی قدس سپاه با شهید حاج قاسم سلیمانی همراه بوده است به ذکر درسهایی از مکتب مقاومت حاج قاسم پرداخت که نظر به اهمیت و ارزشمند بودن این درس ها بر آن شدیم تا این سفرانی را در این شماره بصائر علمی به رویت اساتید گرامی برسانیم .

## مکتب مقاومت با الگوگیری از سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی

عرایضم را با آیه شریفه قرآن کریم آغاز می کنم که می فرماید و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا سخن از جهاد است، ما سه نوع جهاد داریم

جهاد اصغر جهاد اکبر و جهاد کبیر. جهاد اکبر مقدمه جهاد اصغر است یعنی انسان‌ها تا بر هوای نفس خود غالب نشوند نمی‌توانند در میدان جنگ دشمن بیرونی را شکست دهند یک جهاد هم جهاد کبیر است یعنی عدم اطاعت از مستکبرین و تسلیم دشمن نشدن. آیه شریفه می‌خواهد بگوید کسی که در میدان جهاد پیروز شود کسی که بر هوای نفس غالب شود خداوند دستش را می‌گیرد و هدایتش می‌کند و **لنهدینهم سبلنا** خداوند او را در راه خودش هدایت می‌کند ببینید در آیه شریفه **و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون** هدف از خلقت، بندگی خداوند ذکر شده است و این هدایت یعنی او را در مسیر بندگی قرار می‌دهیم.

سردار سلیمانی هم در مبارزه با هوای نفس مرد میدان و مرد جهاد و پیکار با هوای نفس بود و هم نفس را سرکوب و منکوب کرده بود در این مسیر هیچ خودیتی نداشت من در هیچ کجا از سردار سلیمانی نشنیده بودم چه در دوران جنگ هشت ساله که من از فروردین سال ۱۳۶۱ با ایشان بودم تا این اواخر که بیش از ۸ سال در نیروی قدس با ایشان همراه بودم حتی یک بار در جلسات خصوصی نشنیده بودم که سردار بگوید اگر من در لشکر ثارالله

یا جنگ نبودم این اتفاق نمی افتاد یا بگویند مثلاً من در جنگ این کار را کردم حتی یک بار هم نگفت اگر در لبنان سوریه عراق و یا قدس نبودم این اتفاقات نمی افتاد ولی مقام معظم رهبری در مورد ایشان فرمودند که حاج قاسم بود که دست فلسطینی ها را پر کرد. شما مصاحبه سردار سلیمانی را که تلویزیون پخش کرد نگاه کنید، در موضوع لبنان و جنگ ۳۳ روزه از آغاز تا پایان مصاحبه هیچ کجا خود حاج قاسم در این مصاحبه پررنگ نیست بلکه نقش دیگران را پررنگ می کند این مبارزه با هوای نفس می خواهد کار ساده ای هم نیست به خصوص که تمام دنیا به ایشان نگاه می کرد در فرودگاه شاهد بودم که وقتی می رفتیم درون سالن پرواز، وقتی مردم می فهمیدند که حاج قاسم درون پرواز است مشتاقانه به سوی او می آمدند، یک بار من و حاج قاسم داخل هواپیما نشسته بودیم وقتی مسافران فهمیدند حاج قاسم داخل هواپیما است از انتهای هواپیما همه مسافران به سمت جلو آمدند که من به شوخی به آنها گفتم بروید سر جای تان بنشینید الان هواپیما سقوط می کند این ابراز علاقه و عشق به حاج قاسم بود که زن و مرد، این جناح یا آن جناح، با حجاب و کم حجاب، کوچک و بزرگ و خلاصه همه را جذب خود کرده بود و به حاج قاسم می گفتند اجازه می

دهی یک عکس با شما بگیریم. یادم می آید در دانشگاه بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری که مراسم تمام شده بود دانشجویان خودشان را از دیوار بالا می کشیدند و پشت جایگاه می رساندند تا حاج قاسم را ببینند با این که به لحاظ نظامی بالاتر از ایشان هم بود حاج قاسم همه اینها را می بیند و در همه جا هم می بیند، در سوریه، عراق مثلاً در کربلا وقتی مغازه داران می شنیدند حاج قاسم آمده اطراف ماشین ایشان می ریختند، او همه این صحنه ها را می دید ولی با هوای نفس خود مبارزه می کرد و خود را خادم مردم می دانست.

### **ویژگی برجسته حاج قاسم که هیچکس نداشت**

حاج قاسم یک ویژگی دیگری داشت که هیچکس نداشت و آن ۴۰ سال در میدان جنگ جهاد اصغر، جنگ با صدام، جنگ در جنوب شرق کشور جنگ در افغانستان، بوسنی، سوریه، عراق و لبنان یعنی تا پایان عمرش در میدان جنگ بود ۴۰ سال لباس رزم بر تن داشت بعد از شهادت حاج قاسم با همسر بزرگوار ایشان صحبت کرده ام می گفت حاج قاسم مال ما نبود او متعلق به همه مردم بود.

حاج قاسم دائم در سفر جهاد بود گاهی اوقات از جایی می آمد و در همان فرودگاه جلسه می گذاشت و از همان فرودگاه به عراق یا سوریه می رفت او از اول انقلاب تا پایان حیاتش حتی یک سوم هم در خانه نبود بلکه بیش از دو سوم را در میدان‌های نبرد بود همسر حاج قاسم می گفت ما او را کمتر می دیدیم او ما را برای تحمل چنین روزهایی عادت داده بود تا بتوانیم خودمان را با زندگی امروز و زندگی بدون حاج قاسم وفق بدهیم همسر ایشان می گفت از بعد از شهادت حاج قاسم روی پای خودم ایستاده‌ام نه از خودرو و نه چیز دیگری استفاده نمی کنم چون در دوران حیاتش ما را اینطور تربیت کرده بود.

حاج قاسم از همان روزهای اول خود ساخته بود با قرآن مانوس بود از ویژگی های او این بود که اهل مطالعه بود کتاب خاطرات دفاع مقدس کتاب های اخلاقی و عرفانی را مطالعه می کرد آخرین روزی که در ایران بود یعنی روز سه شنبه دهم دی ماه ۹۸ اول صبح به بچه های دفتر می گوید من می روم بیرون و تا برمی گردم این کتاب‌ها را برای من آماده کنید مباحث اخلاقی آیت الله جوادی آملی، آیت الله مظاهری، آیت الله مشکینی

آیت الله مصباح یزدی، آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی را مطالعه می کرد تا آخرین لحظه که در ایران بود شاهد بودم کتابها را تهیه و به ایشان می دادیم و ایشان خیلی از اینها را مطالعه می کرد و حتی توی جلسات هم که بودیم توصیه می کرد و مسر بود که دیگران هم بخوانند حتی در سفرهایی که داشت علیرغم مشغله های زیادی که داشت مطالعه را ترک نمی کرد یک بار شهید پورجعفری که همیشه همراه ایشان بود می گفت در یکی از سفرها به سوریه که حاج قاسم ۱۵ روز آنجا بود شاید در طول سفر ۱۰ ساعت هم راحت نخوابید، شبانه روز جلسه بود، می گفت گاهی جلسه تا ساعت ۲ نصف شب طول می کشید وقتی برای استراحت می رفتیم، مشاهده می کردیم که حاجی مشغول مطالعه است.

### **حاج قاسم قرآن را این گونه می خواند**

حاج قاسم یک قرآن داشت که الان هم موجود است، خود ایشان چند بار به من گفت، من آیات را که می خواندم برداشت خودم را در حاشیه این آیات می نویسم قرآن را با توجه و تدبر می خواند. حالا قرار است برداشت های ایشان در حاشیه این قرآن چاپ شود. حاج قاسم نهج البلاغه و صحیفه

سجاده را هم به همین صورت مطالعه می کرد. گاهی اوقات در جلسه به مدت ۳۰ دقیقه من سخنرانی می کردم و بحث هم ویژگی های پاسدار از نگاه امام و حضرت آقا بود حاج قاسم مسر بود که علاوه بر بیانات حضرت آقا، معادل قرآنی هم بیاوریم تا روشن شود که پایه کلام ولایت از قرآن است یادم است یک بار در جلسه داستانی را از حضرت موسی گفتم، حاج قاسم گفت این داستان را از کجا آورده ای، سند را گفتم، گفت کتابش را بیار من بینم یعنی هر کسی هر چیزی را می گفت قبول نمی کردند آن کتاب را برایش بردم کتاب اخلاقی بود و گفت چند تا از این کتاب های اخلاقی به من برسان.

سال ۶۶ یا سال ۶۷ مسئول تبلیغات لشکر ثارالله و نیروی حاج قاسم بودم ایشان به من گفت برو قم یک جایی را در نظر بگیر و اجاره کن تا فرماندهان را به قم ببریم تا از محضر علما استفاده کنند آن موقع در سپاه این برنامه ها مرسوم نبود ولی ایشان از همان موقع به این مباحث معنوی توجه داشت.

## دو گردان اشک در لشکر حاج قاسم

سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۱ قبل از انجام عملیات، در قرارگاه کربلا جلسه‌ای برگزار می‌شود، آن موقع تپه‌های قلاویزان نزدیک مهران در اشغال ارتش عراق بود و لشکری که می‌خواست این تپه‌ها را آزاد کند در دید دشمن قرار می‌گرفت در جلسه بحث می‌شود که کدام لشکر حاضر است تپه‌های قلاویزان را آزاد کند؟ حاج قاسم گفت لشکر ثارالله حاضر است از ایشان پرسیدند با چه چیزی می‌خواهی آزاد کنی؟ با کدام نیرو؟ حاج قاسم جواب داد دو تا گردان داریم که خوب اشک می‌ریزند با این دو تا گردان تپه‌ها را می‌گیریم. شهید میثمی که آن موقع در قرارگاه خاتم الانبیا بود در این جلسه بود بعد از جلسه آمد به لشکر ثارالله تا ببیند علت گریه و اشک این دو گردان چیست؟ بعد از بررسی معلوم شد که توی این دو گردان ۷ یا ۸ آخوند و روحانی بود. بله حاج قاسم به این موضوعات توجه می‌کرد و **لنهدینه** سببنا کسی که در میدان جهاد با نفس باشد در میدان جنگ و رزم باشد خداوند می‌گوید دستش را می‌گیرم در این مسیر و تا آخر



هدایت می‌کنم لذا حاج قاسم به فرموده مقام معظم رهبری متمایز از دیگران بود.

### **حاج قاسم، چگونه حاج قاسم شد**

اگر سوال کنیم که چرا حاج قاسم، حاج قاسم شد؟ ممکن است یکی بگوید ۴۰ سال جهاد، یکی دیگر بگوید مبارزه با هوای نفس، یکی دیگر بگوید به خاطر اخلاص، اما من اعتقادم این است که ارادت حاج قاسم به پدر و مادرش او را حاج قاسم کرد. کسی که در جنگ ۳۳ روزه بیش از ۳۳ روز در لبنان بود در جنگ با داعش به طور مکرر یا سوریه یا لبنان یا عراق بود و وقتی هم به ایران می‌آمد مرتب درگیر جلسات بود یا دیگران درخواست ملاقات با او را داشتند این حاج قاسم با این همه مشغله به ماه نمی‌رسید که به کرمان می‌رفت و به روستای قنات ملک به پدر و مادرش سر می‌زد و پاهای پدر و مادر را می‌بوسید.

### **وجه تمایزی که در هیچکس مثل او ندیدم**

حاج قاسم یک وجه تمایز دیگری دارد که این وجه تمایز را این جا محکم عرض می‌کنم که فقط حاج قاسم داشت و هیچ کسی دیگری و در

هیچ کسی دیگری مثل او ندیده بودم و آن ارتباط مستمر با خانواده شهدا بود ارتباطش با خانواده رزمندگان بود او از دوران جنگ تا لحظه شهادت این ارتباط را حفظ کرده از سال ۶۷ تا ۹۸ یعنی ۳۱ سال تا شهادت این ارتباط را حفظ کرد نسبت به فرزندان شهدا بسیار حساس بوده طوری تقسیم بندی کرده بود که این عزیزان گروه به گروه چند دقیقه‌ای حضرت آقا را زیارت کنند بعضی از این فرزندان شهدا که از کرمان می‌آمدند می‌رفتند منزل حاج قاسم. من خودم یک بار آنها را بردم منزل ایشان و دو روز آنجا ماندند و بعد از دو روز حاج قاسم می‌گفت بگذار چند روز دیگر هم بمانند تا با آنها بیشتر دیدن داشته باشم. یک بار رفتم منزل ایشان، حاجی می‌گفت من امروز با بچه‌های شهدای پای پیاده آمدم امامزاده پنج تن، می‌گفت بدون محافظ و با پای پیاده آمدم زیارت و برگشتیم. غرض آن که با آن همه مشغله کاری این طوری برای فرزندان شهدا وقت می‌گذاشت در واقع وقتی که برای بچه‌های شهدا می‌گذاشت برای بچه‌های خودش نمی‌گذاشت.

## تمام عصرهای جمعه در منزلش مجلس روضه داشت

حاج قاسم یک ویژگی دیگر هم داشت که نقطه تمایز او بود و آن این که فردی در حد حاج قاسم هر عصر جمعه از زمان دوران جنگ در منزلش روضه داشت مستمع چه کسانی بودند؟ همسرش، فرزندان و خودش. گاهی هم بنده توفیق داشتم و می‌رفتم. یک منبری روحانی و یک مداح دعوت می‌کرد آن روحانی مباحث شرعی، حدیث، سخنانی کوتاه اخلاقی و بعد هم مداحی، به طوری که کل جلسه نیم ساعت بیشتر طول نمی‌کشید از سفر هم که بر می‌گشت این جلسات برقرار بود گاهی ۶ صبح می‌آمد تهران، ولی این جلسه روضه به طور ثابت انجام می‌شد. ما جلسات سه نفره ماهانه ثابتی هم روزهای دوشنبه داشتیم که حاج قاسم و سردار قآنی و خودم در آن بودیم این جلسه به صورت چرخشی بود و از یکی از علمای اخلاق برای سخنانی دعوت می‌شد که البته بیشتر اوقات آیت‌الله موحدی کرمانی بود حاج قاسم مسر بود که از وجود علما استفاده شود این توجه صرفاً توجه به علما نبود بلکه توجه به مباحث اخلاقی و ارتباط با مباحث دینی بود.

حاج قاسم یک شیعه ناب و خالص بود چون در حدیث داریم که شیعه اهل نوافل است حاج قاسم اهل نوافل بود اهل نماز شب و نیایش و شب‌زنده‌داری بود محال بود حاجی قبل از ساعت ۳ نیمه شب بیدار نشود حاج قاسم به ورزش هم توجه خاصی داشت به کوهنوردی و شنا علاقه داشت .

وقتی من به عنوان مسئول نمایندگی به نیروی قدس آمدم تصمیم گرفتم طرح کتاب خوانی و اهدای جایزه را در نیرو اجرا کنیم حاج قاسم می‌گفت ما در نیروی قدس به هر کسی که کتاب بخواند جایزه می‌دهیم و نه فقط صرفاً به برندگان مسابقه کتابخوانی.

### **شیوه مدیریت حاج قاسم این گونه بود**

شیوه مدیریت حاج قاسم قرارگاهی نبود بلکه خط مقدمی بود . حاج قاسم همیشه پیشقراول بود و از همه جلوتر حرکت می‌کرد تا خودش منطقه را نمی‌دید نیرو را وارد منطقه نمی‌کرد چه در زمان جنگ و چه در سوریه و عراق اول خودش می‌رفت منطقه را شناسایی می‌کرد یعنی خودش جلو دار بود سیستم فرماندهی او از نوع برو نبود بلکه از جنس بیا بود ، خودش اول

می رفت و بعد به دیگران می گفت بیایید. حاج قاسم در مدیریت یک فرمانده نترس بود و به همه ابعاد توجه داشت و در به کارگیری فرماندهان نیز فرمانده نترس را انتخاب می کرد حاج قاسم یک بار هم از تیر و موشک نترسید حاج قاسم باید صدها بار شهید می شد و نشد، بارها آمریکایی ها، اسرائیلی ها تهدیدش کرده بودند بارها پهپادهای دشمن روی سرش آمده بودند ولی خداوند حاج قاسم را حفظ کرد و گرنه باید سه سال پیش توی جنگ شهید می شد.

از ابعاد دیگر مدیریتی حاج قاسم این بود که حاجی هیچ زمانی خودش را فرمانده ندید و همواره خدا را فرمانده می دید و ثانیاً همواره دیگران را بزرگ می کرد در لبنان سید حسن نصرالله را بزرگ کرد ابومهدی المهندس مکرر می گفت من سرباز حاج قاسم هستم حاج قاسم هم می گفت من سرباز ابومهدی هستم حاج قاسم همواره با نیروها بود و نقاط ضعف و قوت نیروها را می دید با نیروها مانوس بود و آنها را در آغوش می کشید بر دل نیروهایش نفوذ کرده بود حاج قاسم هیچ وقت فرمانده پسا جنگ نبود همواره فرمانده در جنگ بود یکی از فرماندهان ارتش سوریه می گفت وقتی

حاج قاسم را می دیدیم آرام می شدیم، در عملیات کربلای ۵ در دوران دفاع مقدس، سپاه پنجم عراق یک سر لشکر عراقی داشت که در مقابل لشکر ثارالله می جنگید صدام که سقوط می کند داعش به عراق حمله می کند و حاج قاسم به عراق می رود این سرلشکر سپاه پنجم عراق در این شرایط می رود زیر نظر حاج قاسم و علیه داعش در عراق می جنگد که در نهایت هم شهید می شود.

برای حاج قاسم ایرانی سوری عراقی فلسطینی و لبنانی و یمنی و... همه عزیز بودند برای او علوی سنی مسیحی زیدی و... عزیز بودند به همه توجه داشت و به تکلیف عمل می کرد و به همه عشق می ورزید.

حاج قاسم می گفت من از حضرت آقا چیزهایی دیده ام که نمی توانم از آقا جدا بشوم حاج قاسم چه چیزهایی دیده بود؟ شب زنده داری، مدیریت، آینده نگری و اخلاص.

## بسیج اساتید اجازه ندهد حاج قاسم تحریف شود

نکته آخری که عرض می‌کنم این است که امروز در رابطه با مکتب حاج قاسم اساتید بسیجی چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

در حال حاضر نزدیک به ۲۰ کتاب در حال تدوین است کتاب‌های متعددی هم چاپ شده است یک تقاضای عاجزانه از شما دارم و آن این که اجازه ندهید حاج قاسم تحریف شود، مستند و محکم حرف بزنید و قوی بنویسید. جامعه دانشگاهی آستین همت بالا بزنند با توجه به نگاه حضرت آقا و اسناد و کتاب‌هایی که زیر نظر سردار تدوین شده مثل کنگره کرمان یا سوره مهر یا کتاب‌هایی که مقدمه آنها را حاج قاسم نوشته با توجه به وصیت نامه شهید سلیمانی، کتاب‌هایی در شأن حاج قاسم نوشته شود مکتب سلیمانی جای کار زیادی دارد و کار قوی می‌خواهد، باید کتابی که نوشته می‌شود در شأن دانشگاه برای ایشان باشد البته بعضی از دانشگاه‌ها هم کارهای خوبی کردند. در تدوین کار و کتاب برای حاج قاسم تعجیل نداشته باشید که مثلاً به سالگرد برسد بلکه کتاب قوی مورد نظر باشد ولو آنکه دیر چاپ شود.

در پایان از همه شما عزیزان و اساتید محترم دانشگاه در سراسر کشور بابت این نشست علمی تشکر می‌کنم و امیدوارم بتوانیم در راستای مکتب سلیمانی به وظایف و تکالیف مان عمل کنیم. انشالله.

(۹۹/۸/۲۰)